خبر

انحلال کارگروه کرونا و رفع محدودیت‌ها

فرار از بحران به شیوه ترامپ

● کارگروه مقابله با کرونا در کاخ سفید که به ریاست مایک پنس، معاون دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا اداره می‌شد، به زودی منحل می‌شود. این پیام سخنرانی جدید دونالد ترامپ درباره سیاست دولت برای مقابله با بیماری کرونا بوده است. خبرگزاری آلمان با انتشار گزارشی از واشنگتن خبر از تغییر سیاست دونالد ترامپ در عرصه مقابله با شیوع بیماری کرونا داده است.بر اساس این گزارش، این سیاست بر دو محور اصلی استوار است: رفع محدودیت‌ها و انحلال کارگروه مقابله با کرونا در کاخ سفید. با وجود توصیه اداره بهداشت و درمان آمریکا مبنی‌بر استفاده از ماسک در مجامع عمومی، دونالد ترامپ بار دیگر بدون ماسک در کارخانه تولید ماسک حضور یافته و در آن کارخانه سخنرانی کرده است.ترامپ شهروندان آمریکا را «مبارز» نامیده و مدعی شده که مردم آمریکا خواستار بازگشت به سر کار و حرفه خود هستند.

گشایش بیشتر و رفع محدودیت‌ها

دونالد ترامپ در سخنرانی خود اعلام کرده است که گشایش بیشتر و رفع محدودیت‌ها می‌تواند شمار مبتلایان و قربانیان بیماری کرونا را افزایش دهد. او تأکید کرده است که به‌رغم این موضوع، این امکان وجود ندارد که کارهای اقتصادی کشور برای «پنج سال» تعطیل شود. ترامپ ضمن قدردانی از عملکرد کارگروه مقابله با کرونا در کاخ سفید اعلام کرده است که فعالیت این کارگروه در اواخر ماه می یا اوایل ماه ژوئن به پایان خواهد رسید و مقابله با بیماری کرونا به نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط واگذار خواهد شد.در کارگروه مقابله با کرونا در کاخ سفید پزشکانی مانند دبورا بریکس و آنتونی فاوچی عضویت داشتند و هدایت این کارگروه برعهده مایک پنس، معاون ترامپ بود.هدف از تشکیل این کارگروه هماهنگ‌کردن فعالیت سازمان‌ها و نهادهای مختلف در مقابله با شیوع بیماری کرونا بود. گفته می‌شود مشاوران کاخ سفید در امر مقابله با شیوع بیماری کرونا و از جمله آنتونی فاوچی مخالف گشایش سریع جامعه و رفع محدودیت‌ها بوده و اجرای چنین سیاستی را خطرناک ارزیابی می‌کردند.در همین حال، شمار قربانیان بیماری کرونای جدید در آمریکا حدود ۷۰ هزار نفر اعلام شده است. این در حالی است که موارد ثبت‌شده ابتلا به این بیماری در آمریکا به حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر رسیده. بر اساس برخی از محاسبات، گشایش سریع جامعه و رفع سریع محدودیت‌ها می‌تواند منجر به افزایش شمار قربانیان به بیش از ۱۳۴ هزار نفر شود.جو بایدن، رقیب دونالد ترامپ در انتخابات ماه نوامبر ریاست‌جمهوری آمریکا، اعلام کرده است که صحیح نیست اقتصاد را بر سلامت و جان شهروندان ارجح بدانیم. او درباره اجرای سیاست شتاب‌زده رفع محدودیت‌ها هشدار داده است. شماری از کارشناسان امور پزشکی آمریکا نیز سیاست انحلال کارگروه مقابله با کرونا در کاخ سفید را سیاستی خطا دانسته که می‌تواند منجر به افزایش شیوع بیماری کرونای جدید در آمریکا شود.

۱۲ کشور دیگر در لیست سیاه پول‌شویی اروپا

● بر اساس پیش‌نویس سند جدید اتحادیه اروپا، کشورهای باربادوس، بوتسوانا، کامبوج، غنا، جامائیکا، مغولستان، میانمار، نیکاراگوئه، پاناما، باهاما، زیمبابوه و جزایر موریس به لیست سیاه اضافه می‌شوند. به گزارش رویترز، این کشورها ضوابط مقابله با پول‌شویی و منابع مالی تروریسم از نظر مالی را که برای اتحادیه اروپا خطرناک تلقی می‌شوند رعایت نکرده‌اند.کشورهایی که از پیش در این فهرست قرار داشتند عبارتند از ایران، افغانستان، عراق، سوریه، پاکستان، کره شمالی، وانوتوا، یمن، اوگاندا و ترینیداد و توباگو. همه این کشورها منهای کره شمالی به اتحادیه اروپا تعهد داده‌اند که با اصلاح قوانین و افزایش کنترل، عملکرد خود در زمینه مقابله با پول‌شویی و منابع مالی تروریسم را بهبود بخشند.طبق قوانین اتحادیه اروپا، بانک‌ها، مؤسسات مالی و مالیاتی موظف خواهند شد حساب‌های مشتریان خود را که با این کشورها معامله می‌کنند با حسابرسی دقیق‌تری کنترل کنند. درعین‌حال، شرکت‌های مستقر در این کشورها از دریافت کمک مالی یا وام‌های اتحادیه اروپا محروم خواهند شد. کمیسیون اروپا اعلام کرده است که به دلیل مشکلات ناشی از بحران کرونا، افزایش کنترل‌های مالی اتحادیه اروپا با تأخیر و از ماه اکتبر به اجرا گذاشته می‌شود.رویترز همچنین گزارش داده است عربستان سعودی که درحال‌حاضر ریاست دوره‌ای کشورهای گروه ۲۰ را برعهده دارد، در فهرست امسال نیست. سال گذشته در پیش‌نویس سند مشابهی عربستان سعودی در لیست سیاه قرار گرفته بود، ولی در پی فشارهای ریاض، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا آن کشور را از متن نهایی مصوبه حذف کردند. علاوه‌بر عربستان سعودی، کشورهای بوسنی، لائوس، اتیوپی، سریلانکا، تونس، گویانا و لیبی و همچنین چهار قلمرو ایالات متحده آمریکا شامل پورتوریکو، گوام، ساموئا و جزایر ویرجین نیز از لیست سیاه حذف شده‌اند.

جنگ نفتی زلزله‌ای بالقوه برای تغییر نظم بین‌المللی است

نقطه‌ای بر جنگ‌های بی‌پایان

سیاست‌مداران باید برای دوری از سیاست «جنگ همیشگی» تلاش بیشتری کنند؛ ایده‌ای که نه فقط برای آمریکایی‌ها بلکه برای تمام جهان جنبه‌ای از سوءمدیریت و فریب‌کاری است

عکس: AFP

بوی تغییر را می‌توان در هوای این روزهای جهان استشمام کرد. بحران ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا که موج‌هایی از شوک به اقتصاد جهانی، سقوط قیمت نفت و افشای ناکارآمدی قلب دولت‌ها را به‌دنبال داشته، اکنون این چنین انگاشته می‌شود که می‌تواند زلزله‌ای بالقوه برای نظم بین‌المللی باشد.«گریگوری برو»، استاد تاریخ و کارشناس ارشد روابط ایران و آمریکا، در گزارشی درباره جنگ اخیر نفتی در جهان می‌نویسد «مگان اوسالیوان از استادان دانشگاه هاروارد معتقد است که تأثیرات همه‌گیری کووید ۱۹ بر قیمت جهانی نفت منجر به «بازآرایی ژئوپلیتیک» در جهان خواهد شد. اوسالیوان به‌عنوان یکی از مقامات دولت جورج بوش، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا که فعالیت در حوزه افغانستان و عراق را در پرونده خود دارد، از امواج اقتصادی و سیاسی ناشی از سقوط قیمت نفت گفته است و با اشاره به نظریات مورخانی مانند نیکولاس مودلر و آدام توزه درباره تشدید بی‌ثباتی در سطح جهانی هشدار می‌دهد. او می‌نویسد: مگر آنکه آمریکا به میدان بیاید و اقدام شگرفی بکند. اینکه آمریکا به‌عنوان یکی از صادرکنندگان اصلی نفت وارد عمل شود به این معنی است که این کشور فرصت‌های جدیدی برای بازتعریف اقتصاد سوخت‌های فسیلی ارائه دهد. اوسالیوان با اشاره به توافق ۱۲ آوریل کشورهای اوپک‌پلاس برای کاهش تولید نفت معتقد است همکاری با تولیدکنندگان نفتی مانند مکزیک، عربستان و روسیه می‌تواند در این مسئله کمک‌کننده باشد. تلاش‌ها برای جهت‌دهی به تولید جهانی نفت می‌تواند پایه‌ای اولیه برای ایجاد «فضایی بیشتر برای حفظ صلح» با رقبایی مانند روسیه و متحدانی مانند عربستان باشد؛ دو کشوری که هر دوی آنها از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت جهان محسوب می‌شوند. اوسالیوان هم‌زمان با پیشنهاد برنامه‌ای مشابه برنامه دهه ۱۹۹۰ برای ونزوئلا به‌عنوان توافق نفت در برابر غذا، مداخلات بیشتر نظامی آمریکا را به سبکی که پیش‌تر در سوریه دیده شد، راهی بهتر از مداخلات مستقیم این کشور در امور سایر کشورها می‌داند. به اعتقاد او، آمریکا با «همکاری محدود نظامی» می‌تواند نقش جدید و مؤثری در مناطقی ایفا کند که با بی‌ثباتی‌های نفتی تهدید می‌شوند. چنین مداخلاتی به نظر اوسالیوان در مدیریت فروپاشی سیاست خارجه ناشی از سقوط قیمت جهانی نفت بسیار حیاتی است. درخواست اوسالیوان برای مشارکت دیپلماتیک بیشتر با تولیدکنندگان نفت قابل ستایش است. در نوشتار او بخش‌های زیادی وجود دارد که ارادت او به نقش آمریکا در سیستم جهانی و واقعیت تولیدات نفت و گاز آن را نشان می‌دهد؛ اما توصیه‌های او به وابستگی بیشتر واشنگتن به صنایع پتروشیمی و ورود این کشور به چرخه جدیدی از مداخلات در امور سایر کشورها منجر می‌شود که در نتیجه سیستم موجود فرسایشی و منسوخ‌شده از هژمونی آمریکا را تقویت می‌کند؛ برای مثال توصیه او برای کمک به کشورهای تولیدکننده نفت براساس مدل مداخله واشنگتن در سوریه را در نظر بگیرید. صرف‌نظر از اینکه این مدل به خودی خود در دستیابی به اهداف مشخص‌شده‌اش در سوریه ناکام بود، توصیه اوسالیوان نقش مداخله‌جویانه نظامی آمریکا در کشورهای نفت‌خیز جهان را تشدید می‌کند.

درحال‌حاضر ۱۶۵ هزار سرباز آمریکایی تقریبا در ۸۰۰ پایگاه در ۱۵۰ کشور جهان مستقر هستند. در همین حال از سال ۱۹۸۰، آمریکا به‌عنوان بخشی از دکترین کارتر متعهد شده در خلیج فارس، مرکز تولید جهانی نفت، حضور دائمی نظامی داشته باشد و از این کشورها در مقابل تهدیدهای احتمالی محافظت کند. با وجود تردید و نگاه نه‌چندان مثبت دونالد ترامپ، به این سیاست، آمریکا تاکنون اصول اساسی نظریه کارتر را در منطقه خلیج فارس تغییر نداده است. درحال‌حاضر ۶۰ هزار سرباز آمریکایی در منطقه خلیج فارس و اطراف آن حضور دارند و برنامه‌هایی برای استقرار ۱۲۰ هزار سرباز دیگر در صورت تداوم تنش‌ها با ایران، دشمن فرضی واشنگتن و سیبل کمپین نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا، مطرح شده است. موضع آمریکا در مقابل خلیج فارس برای چندین دهه، واضح و ثابت بوده و تصور افزایش بیشتر نفوذ و تأثیر آمریکا در این منطقه درحال‌حاضر دشوار است.

اوسالیوان از افزایش نارضایتی‌های داخلی در پی اقدامات عربستان به‌عنوان مشکلی یاد کرده است که از طریق استفاده مؤثرتر از قدرت برتری‌جویانه حل‌وفصل خواهد شد. او معتقد است کنگره نباید سد راه سیاست‌های نفتی ترامپ شود که بخشی از آن همکاری بیشتر با کشورهای اوپک‌پلاس است. این در حالی است که ترامپ همچنان به سوءاستفاده از پیش‌فرض اولیه رابطه آمریکا و عربستان که همان نفت در برابر امنیت باشد، ادامه می‌دهد. همان‌طورکه الن والدِ مورخ می‌گوید آمریکا اهرم بزرگی علیه پادشاهی عربستان دارد؛ کشوری که درحال‌حاضر با چالش‌های عظیم مالی روبه‌رو است. پیوستن آمریکا به کشورهای اوپک‌پلاس به‌عنوان گروهی که عربستان آنها را «تولیدکنندگان آونگی نفت» می‌داند، عملا تأثیر این اهرم آمریکا در مقابل ریاض را از بین می‌برد.

عربستان، متحدی دردساز

بااین‌حال نمی‌توان نادیده گرفت که عربستان اکنون برای آمریکا به متحدی دردسرساز تبدیل شده است؛ متحدی که سیاست‌مدارانش رفتارهای معقولانه‌ای ندارند و بدون فکرکردن به پیامدهای انتخاب‌هایشان جنگ‌هایی ویرانگر را آغاز می‌کنند. کمک به عربستان سعودی در تلاش برای تثبیت اقتصاد جهانی نفت، روابطی دوستانه‌تر و نزدیک‌تر با ریاض می‌طلبد؛ آن هم در شرایطی که واشنگتن باید از آن فاصله بگیرد و در اصول روابطش با عربستان بازنگری کند. علاوه بر این اوسالیوان، نقش آمریکا در توافق کاهش تولید آوریل ۲۰۲۰ را بیش از آنچه واقعا بوده تصور می‌کند. درست است؛ ترامپ در مذاکرات درباره کاهش ۹.۷ میلیون بشکه‌ای مشارکت داشته، اما جدای از اینکه ترامپ با مشارکت در چنین مذاکراتی به‌دنبال حفظ اعتبارش در این بازار بود، باید با این حقیقت کنار آمد که واشنگتن برای کاهش تولید نفت دست به هیچ اقدامی نزده است؛ تولیدی که به‌هرحال با توجه به کاهش تقاضا و ضررهای اقتصادی کلان شرکت‌های نفت شیل آمریکا کم خواهد شد.

باد و خورشید، انرژی‌های جایگزین بعد از کرونا

درست است که آمریکا تولید نفت و گازش را افزایش داده اما حقیقت آن است که این کشور از نظر اقتصادی کاملا به این صنعت وابسته نیست. قیمت پایین بنزین هنوز برای مصرف‌کنندگان آمریکایی مناسب است، اما سیاست‌مداران آمریکایی به‌جای اینکه بیشتر روی نفت و گاز سرمایه‌گذاری کنند، باید بر فناوری‌های انرژی ایمن و پاک متمرکز شوند. وال‌استریت این روزها در حال بررسی باد و خورشید به‌عنوان انرژی‌های جایگزین بعد از کروناست و هم‌زمان بسیاری از شرکت‌های بزرگ حوزه انرژی متعهد شده‌اند تا سال ۲۰۵۰ تولید گازهای گلخانه‌ای‌شان را به صفر برسانند. پیوستن به اوپک و شروع مداخلات نظامی جدید برای تثبیت قیمت نفت به همین دلایل احتمالا در داخل کشور آمریکا نمی‌تواند حمایتی جلب کند. خود اوسالیوان هم می‌داند که پذیرش این سیاست برای شهروندان آمریکایی چقدر دشوار خواهد بود، آن‌هم در شرایطی که اقتصاد داخلی این کشور بسیار آسیب‌پذیر است. برای همین است که اوسالیوان پیشنهاد داده سیاست‌مداران برای جداکردن این رویکرد جدید از رویکرد «جنگ همیشگی» تلاش بیشتری کنند؛ ایده‌ای که تا امروز نه فقط برای شهروندان آمریکایی بلکه برای تمام جهان جنبه‌ای از تضییع انرژی، سوءمدیریت و فریب‌کاری است.سیاست‌مداران، بانیان صنایع سوخت‌های فسیلی و مؤسسات مالی پیشرو در آمریکا به‌جای آنکه به فکر گسترش حضور نظامی آمریکا و پیچیده‌ترکردن اوضاع در کشورهای تولیدکننده نفت باشند، باید از این سقوط طولانی‌مدت قیمت نفت درس بگیرند. سقوط قیمت نفت یکی از واقعیت‌های زندگی است که نمی‌توان از آن گریخت و در اینجا اصلا اهمیت ندارد که چند کشور در تولید نفت در این مدت از روسیه و عربستان عقب بیفتند. اگر آمریکا بخواهد درگیر چنین تلاش‌هایی شود، تنها در جهت وابستگی بیشتر به صنایع پتروشیمی و اقتصاد وابسته به سوخت‌های فسیلی حرکت کرده است. این درست است که سقوط قیمت نفت بانی تغییرات ژئوپلیتیک در صادرات نفت می‌شود؛ اما کشورهای جهان باید از این اتفاق به‌عنوان فرصتی برای بررسی مجدد آینده انرژی خود استفاده کنند.

سایه سنگین تیپ شخصیتی ترامپ بر آمریکا

محمدعارف فصیحی‌دولتشاهی . استاد دانشگاه

روان‌شناسان سیاسی میان ویژگی‌های شخصیتی یک زمامدار و سبک رهبری‌اش رابطه معناداری برقرار می‌کنند. یافته‌های تجربی نیز نشان داده منش دموکراتیک، سیاست‌مدار را به سمت همسانی با دیگران، اولویت‌دادن به ارزش‌های مشترک، پاسداری از حقوق بشر و مشارکت سیاسی سوق داده است؛ اما اقتدارطلبی با تمایلات شدید تبعیض، خودشیفتگی، عدم گذشت در برابر خطای دیگران، کیفرهای سخت و خشن و پیش‌داوری نسبت به گروه‌های اجتماعی-سیاسی همراه بوده است.این نسبت وثیق را می‌توان میان سیاست‌های دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده و ویژگی‌های شخصیتی او یافت. با روی کارآمدن ترامپ، سیاست و حکومت در آمریکا نمایشی جامع از خصلت‌های رهبر آن بوده است. اگر در گذشته ویژگی‌های روحی و عقاید سیاسی جکسونیسم، ویلسونیسم، جفرسونیسم و هملتونیسم سیاست را در این کشور تحت تأثیرخود قرار داده بودند، امروزه می‌توان از نقش مجموعه باورهای سیاسی تحت عنوان ترامپیسم بر سیاست و حکومت در این کشور سخن به میان آورد. بنابراین می‌توان گفت زمامدار آن‌گونه حکومت می‌کند که می‌اندیشد. مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی ترامپ که سیاست و حکومت را در آمریکا تحت تأثیر خود قرار داده است، عبارتند از:

خودشیفتگی سیاسی

خودشیفتگان سیاسی همواره عاشق خصایل سیاسی خود بوده و بر عصای بی‌تمکین انگاشته‌های درونی‌شان اتکای مفرط دارند. هرچند این الگوی رفتاری برای یک پادشاه در قرن شانزدهم در کشور انگلستان مناسب به نظر می‌رسید، اما امروزه از این خصلت به‌عنوان اختلال شخصیتی و یک صفت ضداجتماعی- سیاسی یاد می‌شود که برای سیاست و حکومت آسیب جدی و برای صلح جهانی بسیار ویرانگر است. به همین دلیل بسیاری از آگاهان سیاسی و روان‌پزشکان ازجمله سه نفر از روان‌پزشکان آمریکایی دانشگاه هاروارد، در مورد دچاربودن ترامپ به سندرم سلفی و خودشیفتگی و تأثیر آن بر تصمیمات خطرناک کاخ سفید اطلاعیه صادر کردند و آژیرهای خطر را به صدا درآوردند.مطالعه رفتار سیاسی ترامپ نشان می‌دهد او به‌شدت نیازمند آن است که از سوی دیگران مورد تحسین و تقدیر قرار گیرد. او فاقد احساس همدلی نسبت به دیگران است و مرتبا نگرش یا رفتارهای حاکی از غرور و نخوت از خود نشان می‌دهد. گرچه او در ظاهر دارای اعتمادبه‌نفس بالا و شجاع به نظر می‌رسد، ولی واقعیت امر به‌گونه‌ای دیگر است و می‌توان گفت این دیوانه‌بازی‌ها نوعی فرافکنی درونی است که در ضمیر ناخودآگاه او نهادینه شده است. شجاعت ظاهری ترامپ ریشه در احساس ناامنی، بدبینی و بی‌اعتمادی او دارد. همین حس ناامنی است که باعث می‌شود رئیس‌جمهوری ایالات متحده همیشه به دنبال جلب توجه باشد؛ به همان‌گونه‌ای که یک کودک به دلیل عدم توانایی و احاطه بر محیط و مسائل خود نیازمند توجه والدینش است و با گریه مقاصد خود را به آغوش می‌کشد. ترامپ در اوان طفولیت بیش‌فعال بوده و شر و شیطنت او، والدینش را کلافه کرده بود. پدر و مادر او برای کنترل بیش‌فعالی پسرشان او را در ایام جوانی به آکادمی نظامی می‌فرستند و ترامپ موفق به دریافت دیپلم آموزش نظامی از این مدرسه می‌شود. کشتی‌کج مورد علاقه ترامپ است. در یکی از مسابقات، «وینس مک. ماهون» را به زمین زده و پس از زدنش، دست‌وپای او را بسته و موهای سرش را می‌تراشد. این زمینه‌ها باعث شده است که او دچار شخصیت هیستریونیک، نارسیستیک و ضداجتماعی شود.

شخصیت‌هیجانی

ترامپ دارای شخصیت احساسی و هیجانی است. از این‌رو تصمیم‌گیری‌های او از نوع تکانه‌ای است. تکانه یعنی هیجان‌های زودگذرو شدید که تصمیم‌گیرنده را به انجام کاری بدون فکر وامی‌دارد. این نوع تصمیم‌گیری یکی از خطرناک‌ترین سبک‌های تصمیم‌گیری است که ممکن است عواقب و پیامدهای ناخوشایندی برای سیاست داخلی و بین‌المللی داشته باشد. تصمیم‌گیری ترامپ مبنی بر ترور سردار قاسم سلیمانی نمونه‌ای از این نوع تصمیم‌گیری‌ها بوده است؛ تصمیم‌گیری‌ای که بسیاری از رجال سیاسی آمریکا و جهان او را سبک‌مغز و ابله خطاب کردند.

خصلت‌برتری‌طلبی

یکی از خصلت‌های بارز ترامپ برتری‌طلبی است. این میل در ترامپ به خصلت روان‌رنجورانه تبدیل شده است. تحت تأثیر این ویژگی، ترامپ خود را ممتاز و برتر از دیگران دانسته و از این‌رو دارای توقعات عصبی زیادی شده است. انتظارش از دیگران این است که او را زعیم خود بدانند و دائما از تصمیم‌های او ستایش به عمل آورده و بر او کرنش کنند! کمترین تأثیر این خصلت در سیاست داخلی و خارجی تعارض و کشمکش است. تلاش افراط‌گرایانه کاخ سفید برای کسب موقعیت‌های برتر سیاسی و تحقیر ملل و جوامع دیگر از تأثیرات دیگر این خصلت است.

شخصیت‌نمایشی

ترامپ دارای شخصیت کاملا نمایشی است و در برخورد با دیگران رفتارهای گمراه‌کننده و تحریک‌آمیزی از خود به نمایش می‌گذارد. ترامپ بسیار ظاهرگرا، دارای رفتار مصنوعی و ساختگی است. او در تلاش است از طریق رفتار و سخنان نمایشی، خود را در کانون توجه دیگران قرار دهد. تأثیر این خصلت بر سیاست آمریکا نگران‌کننده است؛ زیرا به نابودی فضیلت‌ها، گسترش پوپولیسم، فریب‌کاری و شارلاتان‌بازی در سیاست منجر شده است. دشمنی ترامپ با رسانه‌های خبری به این دلیل است که اصحاب رسانه، دغل‌کاری‌های او را افشا کرده و حناهای ترامپ در نزد آنان رنگ باخته است.

رویداد

تکذیب نقش آمریکا در کودتای ونزوئلا

● رئیس‌جمهور آمریکا هرگونه نقش‌آفرینی کشورش در «براندازی» دولت ونزوئلا را تکذیب کرده و هم‌زمان گفته که به دنبال آن هستیم که دقیقا چه اتفاقی افتاده است. این واکنشی است به ادعای رئیس‌جمهوری ونزوئلا که می‌گوید یک گروه اجیرشده کلمبیایی- آمریکایی درصدد سوءقصدهای تروریستی و کودتا علیه دولت او بوده‌اند، اما تلاششان خنثی شده است.

کرونا، علت کاهش حضور کیم

● خبرگزاری یونهاپ کره جنوبی گزارش کرد که به دنبال غیبت سه‌هفته‌ای رهبر کره شمالی، شایعاتی درباره جراحی کیم جونگ اون و وخامت جسمانی‌اش شکل گرفت، اما حالا سرویس جاسوسی کره جنوبی می‌گوید کیم ظاهرا هیچ عمل جراحی‌ای انجام نداده و به دلیل نگرانی از کرونا کمتر دیده شده است.

هشدار مجدد چین

● وزارت خارجه چین گفت که تعرفه‌ها نباید به‌عنوان سلاح استفاده شوند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، تهدید کرده بود که از تعرفه‌های جدید به‌عنوان اقدام تلافی‌جویانه علیه پکن به دلیل عملکرد چین در بحران کروناویروس استفاده خواهد کرد.

اصلاح سیاست کمک‌های خارجی آلمان

● دولت آلمان اعلام کرده قصد دارد دستورکارش برای اعطای کمک‌های خارجی را اصلاح کرده و دستخوش تغییرات ساختاری گسترده کند.

تعیین مجازات برای ناقلان عمدی کرونا در عربستان

● یک منبع مسئول در وزارت کشور عربستان اعلام کرد، هر شخصی که ویروس کرونا را عامدانه به دیگران سرایت دهد، به مجازاتی برابر با پرداخت جریمه ۵۰۰ هزار ریالی (۱۳۳.۳ هزار دلار) یا مجازات تحمل پنج سال حبس یا پرداخت جریمه و حبس با هم محکوم می‌شود.